

واکاوی تحول در سیاست خارجے عربستان سعودی

دکتر محمد تقی آذرشی

مریم سادات حسینی

رحیم نوروزی

سرشناسه:	آذرشب، محمدتقی، ۱۳۵۳
عنوان و پدیدآورندگان:	واکاوی تحول در سیاست خارجی عربستان سعودی / محمدتقی آذرشب، مریم سادات حسینی، رحیم نوروزی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات تربیت مد، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۱۸ ص.؛ ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۸۴-۹-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۰۲ - ۲۱۸.
رضوع:	عربستان سعودی - روابط خارجی - قرن ۲۱ م.
موضوع:	Saudi Arabia — Foreign relations — 21th century
موضوع:	عربستان سعودی - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م.
موضوع:	Saudi Arabia — Politics and government — 21st century
شناسه رده:	حسینی، مریم سادات، ۱۳۶۹
شناسه افر:	نوروزی، رحیم، ۱۳۶۵
رده بندی کنگر:	DS۲۲۷ ۲/۴۷ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی:	۵۳۸/۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۰۸ ۹۶۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تألیف:	محمدتقی آذرشب، مریم سادات حسینی، رحیم نوروزی
ناشر:	انتشارات تربیت مد
ویراستار:	فرزانه بلورچی
صفحه آراء:	میشم شهبازی
طراح جلد:	فاطمه کلاته
نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۳۹۶
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
قیمت:	۲۰.۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر شمالی، کوچه جعفرزادگان، پلاک ۸، تلفن ۶۶۱۲۴۵۷۷

هر گونه کپی برداری از این اثر ممنوع بوده و حق آن برای مؤلف و ناشر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: چارچوب نظری
۱۸	۱-۱ رنالیسم
۲۱	۲-۱ رنالیسم ساختاری
۲۵	۱-۲-۱ رنالیسم ساختاری تهاجمی
۲۸	۲-۲-۱ رنالیسم ساختاری تدافعی
۳۲	۳-۱ رنالیسم نوکلاسیک
۳۵	۴-۱ قدرت نسبی و نفوذ
۳۹	۵-۱ دولت، سیاست خارجی و تهدیدات سیستمیک
۴۲	۶-۱ سطوح تهدیدات
۴۶	۷-۱ موازنه قدرت از دیدگاه نوکلاسیک‌ها
۴۶	الف) موازنه خارجی
۴۷	ب) موازنه داخلی

- ج) موازنه نامتناسب ۴۷
- ۸-۱ مدل استخراج و بسیج منابع ۴۹
- الف) نهادهای دولتی ۵۲
- ب) ایدئولوژی و ملی‌گرایی ۵۴
- ۹-۱ کاربست رئالیسم نوکلاسیک ۵۶
- ۹-۱-۱ سطح سیستمی و کلان ۵۷
- ۹-۱-۲ سطح داخلی ۵۸
- ۱-۱-۳ رفتار سیاست خارجی ۵۹

فصل دوم: بررسی عوامل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان

- سعودی ۶۱
- ۱-۲ عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی ۶۴
- ۱-۱-۲ جغرافیا ۶۴
- ۲-۱-۲ ساختار سیاسی ۶۷
- ۱-۲-۱-۲ الهیات حاکمه ۶۸
- ۲-۱-۲-۲ رهبران مذهبی ۷۱
- ۳-۱-۲ قبایل ۷۳
- ۴-۱-۲ تکنوکرات‌های جدید ۷۵
- ۲-۲ ایدئولوژی ۷۶
- ۳-۲ اقتصاد و نفت ۸۳
- ۴-۲ نهادهای حکومتی عربستان سعودی ۸۷
- ۱-۴-۲ قوه مجریه ۸۷

۸۸.....	۲-۴-۲ قوه مقننه.....
۹۰.....	۲-۴-۳ قوه قضائیه.....
۹۱.....	۲-۵ اصول و اهداف سیاست خارجی عربستان سعودی.....
۹۳.....	دایره اول: کشورهای حاشیه خلیج فارس.....
۹۴.....	دایره دوم: جهان عرب.....
۹۵.....	دایره سوم: جهان اسلام.....
۹۶.....	دایره چهارم: عرصه بین‌المللی.....
۹۷.....	۲-۶ ویژگی‌های نظام سیاسی عربستان سعودی.....
۹۷.....	الف) شخصی‌گرایی.....
۹۸.....	ب) وابستگی به نظام جهانی و قلمروهای مسلط.....
۹۸.....	ج) اتکا به نیروی نظامی و قوه قضائیه.....
۹۹.....	د) پیروان یا مشتریان حکومت.....
۱۰۰.....	۲-۷ استمرار و تغییر در سیاست خارجی عربستان سعودی.....

فصل سوم: بررسی عوامل خارجی تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی

۱۱۱.....	۳-۱ اهداف سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه.....
۱۱۳.....	۳-۱-۱ حفظ امنیت و ثبات داخلی رژیم و حفظ موازنه قدرت در منطقه.....
۱۱۷.....	۳-۱-۲ رهبری جهان اسلام.....
۱۱۸.....	۳-۱-۳ مدیریت تحولات منطقه‌ای.....
۱۱۹.....	۳-۱-۴ گسترش و تبلیغ آیین وهابیت.....
۱۲۰.....	۳-۲ عوامل منطقه‌ای مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی.....

- ۱۲۰ ۱-۲-۳ قیام‌های عربی
- ۱۲۵ ۲-۲-۳ افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران پس از صدام
- ۱۲۸ ۳-۲-۳ رویکرد عربستان نسبت به افزایش نفوذ ایران در عراق
- ۱۳۳ ۴-۲-۳ برنامه هسته‌ای ایران
- ۱۳۶ ۵-۲-۳ روابط عربستان و آمریکا و تأثیر آن بر تغییر رویکرد آل سعود
- ۱۴۴ ۳- تأثیر اقدامات روسیه در منطقه بر تغییر رویکرد عربستان

فصل چهارم: تغییر رویکرد عربستان سعودی در سیاست خارجی ۱۴۹

- ۱۵۱ ۱-۴ سطح بین‌المللی
- ۱۶۰ ۲-۴ سطح داخلی
- ۱۷۲ ۳-۴ رفتار سیاست خارجی
- ۱۷۳ ۱-۳-۴ بحران سوریه و رویکرد عربستان نسبت به آن
- ۱۷۸ ۲-۳-۴ بحران یمن و رویکرد عربستان نسبت به آن
- ۱۸۱ ۳-۳-۴ بحران روابط سیاسی عربستان سعودی و قطر

نتیجه‌گیری ۱۸۹

منابع ۲۰۱

- ۲۰۲ منابع فارسی
- ۲۱۳ منابع انگلیسی

مقدمه

سیاست خارجی مجموعه فعالیت‌های یک کشور در قبال سایر بازیگران بین‌المللی، اعم از دولت و یا سازمان را شامل می‌شود. این مجموعه، فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و هر آنجا که به نحوی به تعامل یک کشور با جهان خارج مربوط می‌شود را در بر می‌گیرد. سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر دو عامل عمده شکل می‌گیرد که عبارتند از الف) محیط ذهنی که همان ارزش‌ها و تصورات سیاستگذاران است، ب) محیط عینی که شامل دو بخش محیط داخلی (شرایط داخلی کشور) و محیط بین‌المللی (محیط منطقه‌ای و محیط جهانی) است (حاجی‌پور سفیر، ۱۳۸۴: ۸).

سیاست خارجی در طول زمان و با دگرگونی شرایط محیطی دچار تغییر می‌شود و به هیچ وجه سهواً پست و پایداری نیست. البته در وضعیت عادی، تغییرات مرحله‌ای شرایط محیطی، اصول سیاست خارجی کشورها را متحول نمی‌کند بلکه صرفاً رهیافت و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی دگرگون می‌شوند. مهربان عواملی که باعث تغییر در اولویت‌ها و دگرگونی در سلسله مراتب اهداف ملی می‌شود عبارتند از: کشمکش‌های داخلی میان نخبگان سیاسی، سیاست افزایش قدرت مانور دولت‌ها در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، رفع نیازهای داخلی و بالاخره تغییر رفتار دیگر بازیگران (قوام، ۱۳۸۵: ۱۰۹). رهیافت‌ها و گفتمان‌های سیاست خارجی، گاه حالت تعاملی و گاه صورتی تقابلی به خود می‌گیرد، گاه نیز مخلوطی از این دو در پیش گرفته می‌شود. هر یک از سه حالت فوق تحت تأثیر نگرش نخبگان

به اصول سیاست خارجی و شیوه‌ی تحصیل اهداف آن، نوع رابطه را مشخص می‌کند. به عبارتی نخبگان پیشبرنده‌ی سیاست خارجی ممکن است با توجه به اصول حاکم بر سیاست خارجی و اهداف آن و همچنین تحت تأثیر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، تعامل و همکاری را، یا، ویاورایی و حتی جنگ را برای تحصیل اهداف و حفظ منافع ملی کشور ضروری بدانند (احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۲).

سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، متأثر از ویژگی‌های خاص محیط منطقه‌ای، محیط بیرونی یا بین‌المللی است و در این فضا، اهداف، ارزش‌ها و جهت‌گیری خاص آن ترسیم می‌گردد. نظام بین‌الملل محیط منطقه‌ای و هرج و مرج گونه را در برابر کشورها قرار می‌دهد. این هرج و مرج عدم اطمینان در خاورمیانه با غلظت بسیار بیشتری وجود دارد که همسایگان در جبهه می‌گردند دولت‌ها در این فضا در پی افزایش قدرت باشند و با ترجمه آن به نفوذ قادر شوند محیط را به گونه‌ای سازوار با منافع و اهداف خود شکل داده که موجبات تضمین امنیت و بقای خود را فراهم آورند (اولی، ۱۳۹۲: ۲).

نانمن قائل به شناسایی نوعی الگوی ثابت در سیاست خارجی عربستان سعودی است. به اعتقاد وی تمرکز مطلق بر بقای دولت و سلطنت، سازگاری عمل‌گرایانه با محیط منطقه‌ای و جهان، توجه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به عنوان منابع بالقوه مفید (کسب حامی خارجی)، سیطره بر شبه جزیره عرب، مدیریت روابط منطقه‌ای از طریق دیپلماسی محتاطانه و تعقیب سیاست موازنه قوای منطقه‌ای، خرید تسلیحات با هدف حفظ وجهه و درگیر کردن منافع و کسب

تعهد قدرت‌های غربی به منظور بازدارندگی و دفاع و در نهایت اذعان به نقش عربستان سعودی به عنوان قدرت اصلی جهان اسلام، جزء رفتارهای ثابت عربستان سعودی بوده است. (Nonneman, 2005: 331-339)

نکته به این موارد می‌بایست حصول اجماع در سیاست خارجی، همایی و ائتلاف با کشورهای قدرتمند غربی به ویژه دولت ایالات متحده، ائتلاف با کشورهای همفکر و محافظه‌کار و برخورد با کشورهای «ریکال» را نیز اضافه نمود. در برخی دوره‌ها، اتخاذ این رفتارهای گاه تعارض، مشکلاتی برای سیاست خارجی عربستان پدید آورده است. در واقع، شش دوگانه (نظامی-ایدئولوژیکی) تهدیدهایی که عربستان سعودی با آن روبرو است، در برخی زمان‌ها انتخاب‌هایشان را در سیاست خارجی پدید کرده است. اما به طور قطعی می‌توان گفت هر جا که پشای امنیت دولت سعودی در میان بوده، هیچ کدام از عوامل هویتی نتوانسته‌اند بر این سیاست گذاری خارجی سعودی تأثیر زیادی بگذارند. این الگو رفتاری، نتیجه تجربه سالیان طولانی و پرفراز و نشیب دولت سعودی است همان‌که عربستان سعودی با وضعیتی مواجه شده که طبق معیارهای قدرت نظامی، برقراری نوعی موازنه ضرورت پیدا کرده و ملاحظات هژمونیک، سیاست دیگری را ایجاب کرده است، ریاض به ایجاد موازنه علیه منابع بالقوه تهدید داخلی و حمایت از کنشگران به طور متعارف قدرتمندتر اما غیرتهدیدکننده در اختلافات منطقه‌ای، تمایل داشته است (عطایی و مقدم، ۱۳۹۲: ۱۶۵). دولتمردان سعودی بر این باورند که تحولات

داخلی کشورشان شدیداً تحت تأثیر حوادث خاورمیانه است. از این رو، نسبت به تغییر قدرت و افکار در محیط اطراف شان شدیداً حساس می باشند. اگر آنها بر این باور باشند که می توانند از طریق منابع خود به این حوادث شکل دهند، به انجام چنین کاری اقدام می کنند. اما اگر منابع خطر خارج از دسترس آنها باشد، تلاش می کنند آمریکا را وارد نمایند و اگر در انجام هر دو کار ناکام مانند، سعی می کنند که درگیر آشوب های منطقه ای نشوند (Quandt, 1981: 8).

مان‌گه که گرد نانمن معتقد است، تاکنون حاکمان عربستان سعودی دو هدف بنیادی را در سیاست خارجی خود دنبال کرده اند: امنیت داخلی و امنیت خارجی. اما دستی به میزان زیادی از اولی تأثیر می پذیرد زیرا مشروعیت و ثبات داخلی همانند دیگر کشورهای جنوب، مهم ترین چالش این کشور است (Lonneman, 2005: 318). حکومت سعودی همواره با این چالش در سیاست خارجی روبرو بوده است که - گونه بین منافع داخلی، نیازهای امنیتی خود و استراتژیهای جهانی توازن برقرار کند. این معما از زمان پیدایش دولت سعودی تا امروز که بر تضاد آشکار بین منافع مختلف مبتنی است، به اشکال مختلف وجود داشته است. در دوران کنونی، محور رایندهای حفظ توازن معقول بین جلب حمایت داخلی برای رژیم، مبارزه با تروریسم بن الملل، ایفای نقش منطقه ای برای ارتقای هژمونی در خاورمیانه و مدیریت رابطه با آمریکا برای بقای رژیم، مشکل به نظر می رسد (Niblock, 2006: 111).

عربستان سعودی در طی دوران حیات خود با توجه به سنت ها و ویژگی های نظام سیاسی این کشور سیاست خارجی ثابتی داشته است و لسی در سال های اخیر به ویژه پس از سقوط صدام حسین در عراق

عملکرد سیاست خارجی عربستان از قالب سنتی خارج شده است. با توجه به مباحث مطرح شده این کتاب سعی می‌کند تا تحول و تغییر در سیاست خارجی عربستان را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد و با نگاهی واقع‌گرایانه نسبت به رفتار سیاست خارجی عربستان به این سؤال پاسخ دهد که چرا پس از سال ۲۰۰۱ رفتار سیاست خارجی این کشور دچار تحول شده است؟